

یادداشت

سفری بهنگام و فرصت‌ساز



محسن پاک‌آیین

سفیر سابق ایران در آذربایجان

مسعود پزشکیان رئیس جمهوری ایران به دعوت رسمی نخست وزیر ارمنستان، روز دوشنبه ۲۷ مرداد به ارمنستان سفر کرد. در ارتباط با اهمیت این سفر می‌توان به نکات زیر توجه کرد. سفر رئیس جمهور به ارمنستان در مقطعی انجام شد که قفقاز جنوبی پس از آزادی قره باغ و بازگشت آن به جمهوری آذربایجان، در مسیر معماری امنیتی جدیدی قرار گرفته که مشخصه آن غالب شدن «گفتمان صلح» بر «گفتمان جنگ» است. در واقع پس از نشست پراگ در مهرماه ۱۴۰۱ رئیس جمهور آذربایجان و نخست وزیر ارمنستان با صدور بیانیه ای، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی یکدیگر را به رسمیت شناختند و بر تغییر ناپذیری مرزهای بین المللی در قفقاز تأکید کردند. بر این اساس قره باغ در تمامیت ارضی آذربایجان باقی ماند و باکو، حاکمیت ارمنستان بر مسیر زنگزور واقع در استان سیونیک ارمنستان را پذیرفت.

بدینگونه نه تنها مرزهای بین المللی آذربایجان و ارمنستان تغییر نکرد بلکه احتمال وقوع جنگ جدیدی بر سر منطقه زنگزور که می‌توانست منجر به قطع مرز ایران با ارمنستان شود نیز منتفی شد. از این پس طرفین تصمیم گرفتند بدون میانجی و بطور مستقیم با یکدیگر مذاکره کرده و مفاد موافقتنامه صلح را نهایی سازند. آنچه برای منطقه ملی ایران اهمیت دارد این است که با غلبه گفتمان صلح بر گفتمان جنگ در قفقاز و منتهی شدن تغییر مرزهای بین المللی از جمله مرز ایران با ارمنستان بتوانیم از فضای صلح آمیز قفقاز برای ایجاد فرصت های همکاری با ارمنستان، آذربایجان و گرجستان استفاده کنیم. سفر دکتر پزشکیان به ایروان در حالی صورت گرفت که توافق ایروان و باکو در واشنگتن بر سر افتتاح گذرگاه زنگزور و حضور شرکت های آمریکایی برای نوسازی خط ریلی آن، نگرانی هایی را در ایران برانگیخته و واکنش های گسترده ای داشت. اگرچه برنامه سفر دکتر پزشکیان به ارمنستان، قبل از نشست واشنگتن طراحی شده بود، ولی انجام آن بعد از این نشست، فرصت بیان نگرانی های ایران برای مقامات ارمنستان را فراهم کرد. در دیدارهای انجام شده ضمن اعلام موافقت ایران با بازگشایی راه های مواصلاتی، به دوستان ارمنستانی گفته شد که البته این مسیرها باید امن باشد و اگر یک محور ناامنی مثل آمریکا برای تهدید روسیه یا دشمنی با ایران در مرز کشورهای مستقر شود، نمی توانیم نگران نباشیم. رئیس جمهور همچنین در نشست خبری در ایروان گفت: «ما همواره با صراحت از تمامیت ارضی ارمنستان حمایت کرده ایم و این سیاست ثابت و بدون تغییر جمهوری اسلامی ایران است.

معتقدیم که سیاست و حکمرانی در منطقه قفقاز باید قفقازی باقی ماند؛ یرون بسیاری حل و فصل مسائل قفقاز به نیروهای فرامنطقه ای موجب پیچیده تر شدن شرایط منطقه می شود. بر اساس اظهارات مقامات ایرانی، مقامات ارمنستان ضمن اعلام مخالفت قاطع خود با اجاره ۹۹ ساله زنگزور به آمریکا، قول دادند که با اعمال حاکمیت خود در این مسیر، نگرانی ها را رفع کرده و خطوط قرمز ایران را رعایت کنند. دوستان ارمنی گفتند که شرکت های آمریکایی اگرچه برای اجرای برخی پروژه ها به ارمنستان خواهند آمد، اما در زنگزور مستقر نخواهند شد و خط آهن این مسیر با هدایت خود ارمنی ها و کنترل کامل ارمنستان، احداث خواهد شد. البته بحث بازگشایی این مسیر، ارتباط مستقیم با موافقت جمهوری آذربایجان برای بازکردن مسیرهای ارمنستان به ایران دارد که بعد از نشست واشنگتن، هنوز باکو در این رابطه موضعی صریح اعلام نکرده است.

اگر دوستان ارمنی به قول های خود در این سفر عمل کنند، نشان دهنده تفاهم بالای ایران و ارمنستان است. در بعد دو جانبه در این سفر ۱۰ سند همکاری در زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی به امضای طرفین رسید و مقرر گردید تنظیم برنامه جامع راهبردی بین دو کشور در دستور کار قرار بگیرد. مخصوصا قرار شد میزان تعرفه های تجاری به صفر برسد که این اتفاق مشوق خوبی برای بخش های خصوصی دو کشور برای گسترش همکاری ها خواهد بود. این اقدام نقش مستقیم در افزایش مبادلات تجاری و حرکت برای رسیدن به مرز یک میلیارد دلار دارد. تنظیم سند جامع همکاری راهبردی که مشابه اسناد ما با عراق و چین و روسیه است نیز تمام برنامه های اقتصادی دو کشور را پوشش داده و وزاری مرتبط در دو کشور برای اجرای پروژه های مندرج در صورت باز شدن خطوط مواصلاتی ارمنستان به سوی ایران، فرصت های جدیدی برای همکاری های اقتصادی برای سه کشور ایران، ارمنستان و آذربایجان فراهم خواهد گردید.

در این صورت، ارمنستان از مسیر نخجوان به جلفای ایران و خطوط سراسری راه آهن ایران متصل می شود. در حال حاضر مسیر جاده ای وجود دارد و چنانچه حدود ۴۵ کیلومتر خط ریلی از جلفای ایران تا مرز ارمنستان در داخل نخجوان، احداث شود این مسیر ساز بود. و ریل به ارمنستان متصل شده و از آنجا به گرجستان و دریای سیاه (بندر باتومی یا بندر پوتی) می رسد. آذربایجان هم می تواند از این مسیر استفاده کرده و به خطوط ریلی ایران از طریق جلفا متصل شود. در مجموع، سفر دکتر پزشکیان به ارمنستان، بموقع و فرصت ساز بود. در ایام دو جانبه و منطقه ای شرایطی فراهم شد که می تواند فرصت های خوبی برای همکاری خلق نماید. صلح آذربایجان و ارمنستان موجب تغییرات ژئوپلیتیکی در قفقاز جنوبی و به خصوص انسداد مرز ایران و ارمنستان نخواهد شد، زنگزور نیز نظامی باقی نخواهد ماند، اجاره ۹۹ ساله پیشنهادی سفیر آمریکا در ترکیه منتفی خواهد بود و شرکت های آمریکایی طرف قرارداد با ارمنستان با توجه به قول داده شده، به مرز ایران نخواهند آمد و در عمق ارمنستان فعالیت می کنند.

غلامعلی دهقان در گفت وگو با «آرمان ملی»:

نیاز به سیاستمداران آگاه داریم



تجربه تاریخی سوم شهریور نباید دوباره تکرار شود

حضور سیاستمداران آگاه از تکرار تاریخ جلوگیری می کند



نیروهای شوروی از شمال و نیروهای بریتانیا از جنوب به ایران حمله کردند و کشور را اشغال نمودند. ارتش ایران به سرعت متلاشی شد. رضاشاه با فشار متفقین به خصوص بریتانیا استعفا داد و سپس با گذشت مدت ها کشمکش بین روس ها با دیگر کشورهای متفقین و همچنین شکل گیری بحران های فراوان در ایران با واسطت محمدعلی فروغی بالاخره بر سر نوع حکومت جدید ایران و انتقال سلطنت به پسرش که ولیعهد بود به توافق رسیدند. «آرمان ملی» برای بازخوانی این رویداد تاریخی و عبرت هایی که می تواند برای ما داشته باشد با غلامعلی دهقان استاد تاریخ و تحلیلگر مسائل سیاسی گفت وگو کرده که در ادامه می خوانید.

آرمان ملی- احسان انصاری: در جنگ جهانی دوم نیروهای متفقین چنین روزی یعنی در سوم شهریور ۱۳۲۰ با استناد به حضور کارشناسان آلمانی در ایران و همچنین با رایج به قرارداد ۱۹۲۱ میان ایران و شوروی که به شوروی در شرایطی خاص اجازه حضور نظامی در ایران می داد به ایران حمله کردند. این رویداد که به «اشغال ایران در جنگ جهانی دوم» مشهور است منجر به اشغال بخش های گسترده ای از کشورهای توسط نیروهای بریتانیا و شوروی شد. به دنبال اتحاد بریتانیا و شوروی و نیاز شوروی به دریافت کمک های بریتانیا و ایالات متحده در جبهه شرقی متفقین تصمیم گرفتند از ایران به عنوان مسیر نادرگاتی موسوم به «کریدور پارس» استفاده کنند. در نتیجه، در پامداد ۳ شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی

سوم شهریور ۱۳۲۰ قوای متفقین یعنی انگلیس و شوروی و بعدا آمریکا از مرزهای کشور عبور کردند و تحت عنوان مخالفت با آلمان هیتلری این موضوع را توجیه نمودند. واقعیت آن روزها چه بود؟ در سرخراخ سوم شهریور ۱۳۲۰ قوای دو دولت شوروی و انگلیس از پنج محور شمال و شمال شرق و غرب و جنوب غرب وارد خاک ایران شدند. دو سال پیش از این در دهم شهریور ۱۳۱۸ دولت وقت ایران سیاست خود را بی طرفی در شروع جنگ جهانی دوم اعلام کرده بود. اما پیشرو های سریع ارتش ایران در جبهه های شرق اروپا در تیرماه ۱۳۲۰ و ورود آنان به خاک شوروی زنگ خطر را برای دول متفق به صدا درآورد. ترس و واهمه شوروی از اشغال چاه های نفتی منطقه باکو توسط آلمانی ها و پس از آن دسترسی آلمانی ها به چاه های نفتی ایران سبب پریشانی متفقین شد.

متفقین که قبل درباره حضور آلمانی های مقیم ایران به دولت ایران هشدار داده بودند و دولت ایران این موضوع را جدی نگرفته بود به بهانه نقض بی طرفی دولت ایران در جنگ قوای خود را از چند نقطه وارد ایران کردند. این در حالی بود که تعداد کارشناسان آلمانی مقیم ایران تقریبا ۱۵۰ نفر بیشتر نبود و تعداد کارشناس های انگلیسی ۳۵۰ نفر. مشخص بود حضور آلمانی ها بهانه ای بیش نیست و استفاده از راه های ایران برای رساندن کمک به شوروی هدف اصلی متفقین است. متفقین طی روزهای سوم شهریور تا ۲۶ شهریور بخش عمده ای از کشور را تصرف و با بمباران های متوالی ارتش ایران را مضمحل کردند.

نتیجه این تصرف، اخراج پهلوی اول و به قدرت رسیدن ولیعهد جوان بود که نتیجه توافق دول متفق بود. علاوه بر این تا سال ها آثار حضور بیگانگان در کشور مشهود بود. از خطئی های طاقت فرسا گرفته تا نفوذ بیگانه در میان نخبگان ایرانی. من معتقدم با توجه به چنین رخداد های تاریخی تکیه بر قدرت نرم یعنی حضور مردم در عرصه های مختلف و همچنین فراهم کردن زیر ساخت های دفاعی و قوای کارآمد و روزآمد و وجود سیاستمداران آگاه به زمان از لوازم جلوگیری از تکرار تاریخ است.

نتیجه این زمانی از این واقیعت آگاه می شود که سفرای انگلیس و شوروی یعنی سر بولارد و اسمیرنوف در صحبتگاه سوم شهریور با شاه ملاقات می کنند و از هشدارهای قبلی خبر می دهند که شاه هم اعلام بی خبری می کند. پس از این دیدار علی منصور هم عزل می شود.

بر اساس این روایت رضاشاه قربانی تصمیم دیگران شد. در روایت اول شاه به سیاست انگلیس و شوروی وفادار نماند و انتظار از راه رسیدن قدرت سومی را داشت که افکار عمومی هم از آن استقبال می کرد. اما در روایت دوم شاه همچنان به قدرت های وقت وفادار است ولی سهل انگاری و شاید توطئه ای از سوی نزدیکان باعث بی خبری و سپس عزل وی می شود.

بر اساس این روایت رضاشاه قربانی تصمیم دیگران شد. در روایت اول شاه به سیاست انگلیس و شوروی وفادار نماند و انتظار از راه رسیدن قدرت سومی را داشت که افکار عمومی هم از آن استقبال می کرد. اما در روایت دوم شاه همچنان به قدرت های وقت وفادار است ولی سهل انگاری و شاید توطئه ای از سوی نزدیکان باعث بی خبری و سپس عزل وی می شود.

یکی از تبعات اشغال ایران توسط متفقین شکل گیری فرقه پیشه‌وری در آذربایجان بود که حتی یک سال هم اعلام خود مختاری کرد. نقش اتحاد جماهیر شوروی سابق در شکل گیری این فرقه به چه میزان بود؟ پیشه‌وری در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ دولت خود خوانده آذربایجان را به مجلس محلی تشکیل شده تحت عنوان مجلس آذربایجان معرفی کرد. مهم ترین محور های برنامه دولت خود را شناساندن خود مختاری آذربایجان، تقسیم بودجه ملی، تشکیل قشون، تعلیمات مجانی به زبان ترکی، تقسیم اراضی خالصه و املاک مالکینی که از آذربایجان خارج شده اند و... معرفی کرد. وی قول داد تا مادامی که تهران مزاحم او نشود تهران را هم به رسمیت می شناسد. روز بعد ارتش خلع سلاح و تسلیم شد.

در بهمن همین سال طی رای گیری در مجلس شورای ملی وقت قوام با ۵۱ رای دوباره پس از چند سال به نخست وزیری انتخاب و پس از تأیید پهلوی جوان که البته با کراه و پس از تماس معاون وزیر خارجه آمریکا بود در ۱۹ بهمن عازم مسکو شد. قوام توانست همزمان با اتخاذ سیاست چماق و هویج از یک سو با وعده دادن نفت شمال به

آنها البته به شرط تصویب در مجلس شورای ملی آبی وار سوی دیگر با طرح شکایت از سوی ایران در سازمان ملل علیه شوروی مبنی بر عدم خروج نیرو های این کشور پس از پایان جنگ دوم جهانی که مغایر با توافق تهران بود فشار مضاعفی را علیه شوروی در سطح جهان کلید زد. جالب اینکه در سال ۱۳۲۶ قوام با تشکیل حزب دموکرات توانست اکثریت مجلس یازده هم را در اختیار بگیرد. او قبل از بررسی توافق قوام- ساد چیکف، به نمایندگان حزب دموکرات پیغام داده بود به این پیشنهاد رای منفی بدهند. به تعبیری همانطور که شوروی بساط فرقه را پهن کرد با وعده ای هم آن را جمع کرد.

نویسنده کتاب دیپلماسی نفت، دکتر نصرا... سیف پور فاطمی و برادر سید حسین فاطمی وزیر خارجه مصدق علت اصلی خروج شوروی از ایران و به تبع آن متلاشی شدن فرقه پیشه‌وری را سیاست ترومن رئیس جمهور وقت آمریکا می داند.

وی می نویسد: «شوروی پس از آنکه مدلول قرارداد سه جانبه تهران را زیر پا گذاشت، با اولتیماتوم آمریکا روبه‌رو شد. آمریکا صراحتا به استالین خاطر نشان کرد که اگر شوروی قشون خود را از آذربایجان خارج نکند ارتش آمریکا آنها را از ایران بیرون خواهد کرد». اما پرسش اساسی این است که اگر صرفا تهدید آمریکا تأثیر گذار بوده چطور تهدید آمریکا مبنی بر خروج نیرو های شوروی از شرق اروپا کارگر نیفتاد؟ روایت سوم نقش اصلی در متلاشی شدن فرقه پیشه‌وری را مربوط به دلاوری و شجاعت اکثریت مردم خطه آذربایجان می داند. مردمی که پیش از این در شکل گیری ایران واحد در دوره صفویه نقش مهمی ایفا کردند و بعد از آن هم بخش مهمی از مبارزات ملت ایران علیه استعمار و استبداد بودند که مهم ترین آن نقش آفرینی دو سردار بزرگ این خطه ستارخان و باقرخان در عصر مشروطه بود.

به همین دلیل نیز به نظر می رسد مجموع عواملی دست به هم داد تا یکپارچگی ایران دوباره حاصل شود.

دکتر نصرا... سیف پور فاطمی و برادر سید حسین فاطمی وزیر خارجه مصدق علت اصلی خروج شوروی از ایران و به تبع آن متلاشی شدن فرقه پیشه‌وری را سیاست ترومن رئیس جمهور وقت آمریکا می داند

برای اینکه قدرت های خارجی بار دیگر هوس نکنند وارد خاک ایران شوند ما به چیزهایی نیاز داریم تا بتوانیم در برابر بیگانگان مقاومت کنیم؟

تجربه جنگ تحمیلی صدام حاکم وقت عراق به ایران در شهریور ۱۳۵۹ نشان می دهد اگر ملتی از انسجام داخلی برخوردار باشد ولو اینکه در مرحله اول جنگ غافلگیر شود می تواند پس از مدتی زمام کار را در دست بگیرد و بحران و تهدید پیش آمده را به یک فرصت تبدیل کند. در این جنگ پس از مدتی این ایران بود که قوای شغالگر را اخراج و حتی برای تنبیه متجاوز به خاک عراق وارد شد.

در همین جنگ اخیر شاهد بودیم که چگونه دشمن در روزهای پایانی خود هاان آتش بس بود. دلیل آن قدرت آتش همشک های ایرانی و دقت آنها در هدف گیری نقاط مورد نظر در اسرائیل بود. بنابراین بیش از گذشته به قدرت نرم و قدرت سخت برای دفع نقشه های شوم دشمنان ایران زمین نیاز است.

گزارش

از رمزگشایی از حملات به سردار باقری تا جنگ روایت ها

مرد مرموز خاطره عراقچی کیست؟

پیمان جلی، رئیس سازمان صداوسیما چند هفته بعد از انتشار مصاحبه عباس عراقچی وزیر امور خارجه و روایت او از گفت وگوهای صورت گرفته در جلسه تصمیم گیری برای اجرای عملیات وعده صادق ۳ و دفاع سردار باقری از مسعود پزشکیان، روایت و اظهارات عجیبی را مطرح کرده است. اودر حاشیه نشست هفته گذشته هیات دولت در پاسخ به خبرنگار خبرآنلاین گفته است که از اساس در این جلسه بحثی بین سردار باقری و کسی صورت نگرفته و این خبر دروغ است. وی در پاسخ به این سوال که یعنی آقای عراقچی دروغ گفته است، تأکید کرده که «خیر، من می گویم آن طور که در رسانه ها مطرح شد، واقعیت نداشت. من در جلساتی که حضور داشتم، ندیدم کسی در مخالفت با رئیس جمهور صحبت کند و سردار شهید باقری با او بحث و مجادله ای داشته باشند». رئیس سازمان صداوسیما درباره این که فرد منتقد به رئیس جمهوری، آقای جلیلی بوده است، گفت: من اطلاعی ندارم.

جنگ روایت ها از یک جلسه

عباس عراقچی، وزیر امور خارجه در گفت وگویی اخیر خود در برنامه ماجرای جنگ -که مشخصا توسط صداوسیما پخش نشد و حتی بهانه ای برای توقف انتشار این مجموعه گفت وگوهای تصویری در هر پلتفرم دیگری شد- ریشه این حملات را به خوبی نشان داده است. نکته مهم این گفت وگو خاطره ای است که عراقچی از جلسه مربوط به تصمیم گیری در مورد عملیات وعده صادق ۳ نقل می کند و در آن می گوید وقتی در این جلسه فردی دولت و شخص مسعود پزشکیان را متهم به سنگ اندازی در مسیر اجرای عملیات کرده، سردار باقری به عنوان رئیس عملیات کل نیروهای مسلح در مقابل او ایستادی کرده و با رد ادعای او از پزشکیان دفاع کرده است. عراقچی در این برنامه گفته است: «در مورد وعده صادق ۳ وقتی بحث شد یکی از دوستان انتقادی کرد و ایرادی گرفت. گفت چار رئیس جمهور مخالف هستند. خدا رحمت کند سردار باقری در آن جلسه با گوینده این حرف، برخورد کرد. گفت چرا این حرف را می زنی؟ من مسئول دفاع از کشور هستم و لحنه ای که مطمئن شوم می توانم از کشور در برابر تبعات عملیات وعده صادق ۴ دفاع کنم، کار خودم را انجام می دهم. من هنوز از رئیس جمهور سوال نکردم، چرا که از نظر خودم هنوز به آن مرحله نرسیدیم. ایشان -سردار باقری- به شدت از رئیس جمهور دفاع کرد. اگرچه در ابتدای امر بسیاری تصور کردند این فرد سعید جلیلی بوده اما بعد برخی فعالین فضای مجازی مدعی شدند که این فرد پیمان جلی، رئیس سازمان صداوسیما است. حالا پیمان جلی می گوید که از اساس چنین بحثی در این رابطه صورت نگرفته است. مرور گفت وگویی عباس عراقچی نشان می دهد که او به صراحت از چنین بحثی صحبت می کند. اگر عراقچی خاطره درستی را نقل کرده است باید فرض را بر صحت ادعای جلیلی بگذاریم. در این شرایط اما سوال مهمی مطرح می شود: چرا جلیلی تا به امروز در تکذیب این خاطره سخنی نگفته بود؟ چرا آن زمان که نام خودش به عنوان فردی که با سردار باقری وارد مبارحه شده، طرح شد اعلام نکرد که چنین بحثی مطرح نشده و دیگر حاضران جلسه را به گواهی موضوع دعوت نکرد؟ طرف دیگر ماجرا این است که مرور ترکیب جلساتی که عراقچی از سبک و سیاق آن صحبت می کند نیز نشان می دهد که چه مذکور باید از طیف جلیلی باشد چرا که مشخصا از افراد دولت کسی علیه رئیس جمهور صحبت نمی کند و نظامیان حاضر در جلسه نیز صحبتی نمی کنند که با واکاش رئیس ستاد کل نیروهای مسلح روبه رو شود.

رمزگشایی از هجمه جبهه پایداری

وقتی طیف سعید جلیلی از فروردین ماه سال جاری سردار باقری را که در آن زمان ریاست ستاد کل نیروهای مسلح را برعهده داشت هدف حملات خود قرار دادند انگیزه این هجمه ها چندان روشن نبود. حملاتی که در طی سه ماه نخست سال با شدت و حدت متفاوتی صورت می گرفت. هم پیام تبریک نوروزی سردار باقری در کنار تخط جشمشید و هم اظهارات اودر یک ماه منتهی به شهادت که گفته بود با جامعه امروز نمی توان با باتوم صحبت کرد، بهانه ای شد برای حملات چهره های سیاسی نزدیک به جریان جلیلی؛ هم واکنش تند فواد ایزدی کارشناس محبوب سعید جلیلی در صداوسیما به سردار باقری که به کنایه گفت ایشان می توانند لباس نظامی ارتن در بیاورد و معاون عراقچی شود و هم همه ای که رجانیزو علیه سردار باقری بعد از اظهارات او مبنی بر این که با جامعه امروز نمی شود با باتوم صحبت کرد، داشتند. با کنار هم قرار دادن تکه های این پازل حالا تصویر روشن تری به دست می آید: مرد مرموز خاطره عباس بر اساس روحیه و رویکرد سیاسی اش منطق با مشی سعید جلیلی سعی دارد تا با ایجاد دوقطبی دولت و نظامی ها، دولت چهاردهم را در مقام مسئول اجرایی نشدن عملیات معرفی کند. سردار باقری با ورود به موضوع و دفاع از دولت و پاسخ به جلی در عمل تصویر سازی جلیلی را مختل می کند. جریان جلیلی که جلی یکی از اصلی ترین چهره های آن است قطعاً کنیه این دفاع را به دل گرفته و در ماه های منتهی به ترور سردار باقری از هجمه علیه او فروگذار نمی کند.